

# مذهب اباصلت هروی

## از دیدگاه فریقین\*

نجم‌الدین طوسی و محمدمحسن طوسی\*\*\*

### چکیده

درباره مذهب اباصلت هروی سخنان و دیدگاههای مختلف و پراکنده‌ای مطرح شده است. اکثر علمای امامیه وی را شیعه امامی دانسته‌اند. گروهی دیگر علاوه بر تشیع اباصلت، او را از اصحاب خاص امام رضا<sup>ع</sup> و برخی دیگر او را متجاهر و اظهار کننده مذهب تشیع قلمداد کرده‌اند. در مقابل، شیخ طوسی و پیروانش و بیشتر اهل سنت، او را سنی مذهب و متشیع معرفی کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد باتکیه بر منابع رجالی و حدیثی معتبر فریقین، و نقد و بررسی اقوال و دلایل هر دو گروه، شیعه امامی بودن اباصلت هروی و تقیه وی در مذهب را اثبات کند و با نقد سخنان شهید ثانی و پیروانش درباره دیدگاه شیخ طوسی، تلاش نمود تا بین دیدگاه اکثر علمای امامیه و شیخ طوسی و پیروانش، جمع مناسب برقرار کند.

واژه‌های کلیدی: اباصلت هروی، شیعه امامی، متشیع، امامیه، اهل سنت.

\* تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۵

تاریخ تأیید: ۸۹/۵/۲۰

\*\* مدرس حوزه علمیه قم.

\*\*\* دانش آموخته حوزه علمیه و دانش پژوه کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع. دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

در وثاقت اباضت نزد علمای شیعه هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۴۵، و محمد محسن طوسی، ۱۳۸۸: ۹۱) اما درباره مذهب اباضت، دو نظریه وجود دارد:

۱. اکثر علمای امامیه، اباضت را شیعه امامی دانسته‌اند.
۲. شیخ طوسی و پیروان ایشان، اباضت را عامی المذهب معرفی کرده‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که مقصود از «شیعه» در این نوشتار، شیعه امامی است.

### گروه نخست

فائلان به شیعه امامی بودن اباضت عبارت‌اند از:

ظاهر کلام نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۴۵)، کشی (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱۵ - ۶۱۶)، ابن شهر آشوب مازندانی (ابن شهر آشوب مازندانی، بی تا: ۴)، سید احمد بن طاووس (حسن بن زین الدین شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۲۰۹ - ۲۱۰ و مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲)، شهید ثانی (شهید ثانی، بی تا: ۵۶ و ابو علی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۴)، صاحب معالم (حسن بن زین الدین شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۲۰۹ - ۲۱۰)، (جزائری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۱)، شیخ بهایی (ابو علی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹، و علیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ۵، ۱۵۶)، میرزا استرآبادی (استرآبادی، بی تا: ۱۹۳ - ۱۹۴)، محمدتقی مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴، ۳۸۰)، شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰، ۴۰۲ و همو، ۱۴۲۵: ۲، ۴۱)، شیخ الاسلام محمدباقر مجلسی (مجلسی، ۱۴۱۵: ۲۳۷، و ص ۳۵۲)، محقق تفرشی (تفرشی، ۱۴۱۸: ۳، ۵۹ - ۶۱، مولی عنایة الله قهپایی (قهپایی، ۱۳۶۴: ۴، ۸۸ - ۸۷ و ج ۷، ۵۵)، اردبیلی حایری (اردبیلی حایری، بی تا: ۱، ۴۵۶ - ۴۵۷ و ج ۲، ۳۹۵)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳)، ابوعلی حایری (ابوعلی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹)، شیخ عبدالنبی کاظمی (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰ - ۴۱)، شیخ علیاری تبریزی (علیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۱۵۲ - ۱۵۷ - ج ۷، ۴۲۹)، شیخ عبداللّه مامقانی (مامقانی، بی تا: ج ۲، ۱۵۲ - ۱۵۳، ج ۳، ۲۱)، شیخ عباس قمی (قمی، ۱۴۲۵: ۱، ۱۴۰ - ۱۴۱: همو، ۱۴۲۰: ۳۶ و همو، ۱۴۱۴: ۵، ۱۳۶ - ۱۳۷، آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۶ - ۱۸)، شیخ علی نمازی شاهرودی (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۴، ۴۳۱ - ۴۳۲، ۸، ۴۰۸؛ همو، ۱۴۲۲: ۱۷۷، و همو، ۱۴۱۸: ۶، ۳۰۷) و محقق شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۵۹ و ۱۶۵، و ج ۱۱، ص ۳۷۳).

طالع

سال نهم - شماره ۳۳ - پاییز ۱۳۸۹

۶

## دلایل امامی بودن اباصلت

اکثر علمای امامیه، مجموعاً پنج دلیل بر امامی بودن اباصلت اقامه کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. عبارت نجاشی.
۲. دو روایت کشی.
۳. روایات نقل شده توسط اباصلت.
۴. کتاب وفاة الرضا و نقل معجزات امام رضا و امام جواد.
۵. تصریح علمای اهل سنت به تشیع وی.

تفصیل این ادله از این قرار است:

### ۱. عبارت نجاشی

مرحوم نجاشی درباره اباصلت می‌گوید: «ثقة، صحيح الحديث» (نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۴۵).

علما در تفسیر این عبارت دو گروه هستند:

۱. افرادی همچون شیخ عبدالنبی جزایری، شیخ عبدالنبی کاظمی، شیخ عبدالله مامقانی و آیت الله خوئی، عبارت نجاشی را دال بر امامی بودن اباصلت دانسته‌اند و آن را یکی از دلایل امامی بودن اباصلت شمرده‌اند.

۲. اما در مقابل، عده‌ای دیگر از علما عبارت نجاشی را نه تنها دال بر امامی بودن اباصلت ندانسته‌اند، بلکه آن را دال بر عامی المذهب بودن اباصلت دانسته‌اند.

شیخ عبدالنبی جزایری معتقد است عبارت «صحيح الحديث» که در کلام نجاشی آمده، دلالت بر وثاقت و شیعه امامی بودن اباصلت دارد، چرا که صحت به معنای اصطلاحی، فقط در جایی به کار می‌رود که راوی ثقة و شیعه امامی باشد (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ و ۱۱۱).

شیخ عبدالنبی کاظمی بدون اشاره به این نکته که کدام بخش از کلام نجاشی دلالت بر امامی بودن اباصلت دارد، به صورت کلی می‌گوید نجاشی نیز معتقد به امامی بودن اباصلت است:

«وقد اختلف فيه... فی انه [اباصلت] شيعي أو عامي والحق ما حققه المصنف [تفرشی] كما ذهب النجاشي وغيره...» (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰-۴۱).

شیخ عبدالله مامقانی بر این باور است که عبارت نجاشی، «نص» در شیعه امامی بودن اباصلت داشته و می‌گوید: «وهو [کلام نجاشی] نص من حيث عدم غمزه في مذهبه وإطلاقه الثقة عليه، في كونه امامياً (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲)؛ کلام نجاشی نص در امامی بودن اباصلت دارد، چرا که نجاشی هیچ اشاره‌ای به مذهب وی نکرده و واژه «ثقة» را بر او اطلاق کرده است.» ایشان معتقد است

واژه «ثقه» که در عبارت نجاشی آمده، دلالت تام بر مدعای خود دارد.

ایشان ضمن اشاره به مبنا و روش نجاشی در رجال، معتقد است اطلاق واژه «ثقه» نزد قدما، از جمله نجاشی، دلالت بر سه امر می‌کند: «عدالت، امامی و ضابط بودن راوی.» لذا اطلاق واژه «ثقه» درباره اباصلت، در عبارت نجاشی، بر سه امر مذکور صراحت دارد (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲ و همو، ۱۴۱۱: ۱، ۱۴۶ - ۱۶۲).

گفتنی است کلام شیخ عبدالله مامقانی، ریشه در کلمات علمای گذشته دارد و آنها نیز معتقدند روش نجاشی این گونه بوده و واژه «ثقه» در اصطلاح نجاشی دلالت بر سه امر یاد شده دارد. شیخ بهایی (شیخ بهایی، بی تا: ۲۷۱)، نوه شهید ثانی (محمد بن حسن بن شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۱، ۳۵ و ۱۱۱ و ۲۵۵ و ج ۴، ۱۵۷ - ۱۵۸) و وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۵) از جمله این علما هستند و با بیانه‌های مختلف برداشت امور سه‌گانه یاد شده را از واژه «ثقه» ثابت کرده‌اند.

البته برخی از معاصران در این مبنا و برداشت، مناقشه کرده‌اند و از راههای دیگری مطلب را ثابت کرده‌اند. (سبحانی، ۱۴۲۶: ۱۵۵ - ۱۶۲). اما آیت الله خویی بر این باور است که از «ظاهر» عبارت نجاشی می‌توان امامی بودن اباصلت را برداشت کرد. وی بدون اشاره به اینکه کدام بخش از عبارت نجاشی ظهور در شیعه امامی بودن اباصلت دارد، به صورت کلی می‌فرماید: «إنما لإشکال فی مذهبہ [اباصلت] فالمشهور والمعروف تشیعہ وهو ظاهر عبارة النجاشی...» (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۷).

همان‌گونه که بیان شد، در مقابل گروه اول، عده‌ای از علما که نامشان نیز معلوم نیست، معتقدند که عبارت نجاشی ظهور یا تصریح در امامی بودن اباصلت نداشته و برخی دیگر مدعی شده‌اند عبارت نجاشی ظهور در عامی المذهب بودن اباصلت دارد. نظر این گروه را مرحوم جزایری (جزائری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱) و مامقانی (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲) نقد و بررسی کرده‌اند.

## ۲. دو روایت کشی

دومین دلیل بر امامی بودن اباصلت، دو روایت کشی است که احمد بن طاووس نیز به تبع وی، این دو روایت را نقل کرده است.

### روایت اول

کشی با سلسله سند خود از یحیی بن نعیم - یحیی بن معین - (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۶۳) چنین نقل می‌کند: «ابوالصلت نقی الحدیث و رأیناه یسمع ولكن کان شدید التشیع ولم یر منه الکذب (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱۵ - ۶۱۶)؛ احادیث اباصلت پاک و پاکیزه است [دروغ نمی‌گوید] با اینکه شیعی متعصب بوده، ولی دروغ از او دیده نشده است.»

### روایت دوم

کشی با سلسله سند خود از احمد بن سعید رازی چنین روایت می‌کند: «إنَّ أبالصلت الهروی ثقة مأمون علی الحدیث إلَّا أَنَّهُ يُحِبُّ آلَ رسولِ اللَّهِ وکان دینَه ومذهبه (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱۶)؛ اباصلت، فردی مطمئن و امین در نقل حدیث است، جز اینکه دوستدار اهل بیت رسول خداست و محبت این خاندان، آیین و مذهب اوست.»

میرزا استرآبادی (استرآبادی، بی تا: ۱۹۳ - ۱۹۴)، اردبیلی حایری (اردبیلی حایری، بی تا: ۱، ۴۵۶ - ۴۵۷)، محقق تفرشی (تفرشی، ۱۴۱۸: ۳، ۵۹ - ۶۱)، شیخ عبدالله مامقانی، (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۳) آیت الله خویی، (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۶ - ۱۸) محقق شوشتری، (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۵۹ - ۱۶۰) و شیخ علی نمازی شاهرودی (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۴، ۴۳۱ - ۴۳۲، ج ۸، ۴۰۸؛ همو، ۱۴۲۲: ۱۷۷، ۴۰۱، و همو، ۱۴۱۸: ۶، ۳۰۷) این دو روایت را تأییدی بر تشیع اباصلت دانسته‌اند.

گفتنی است، روایت اول، هیچ دلالتی بر تشیع اباصلت ندارد، اما روایت دوم ظهور در شیعی بودن اباصلت دارد.

### ۳. روایات نقل شده توسط اباصلت

اباصلت روایات بسیاری از امام رضا<sup>ع</sup> نقل کرده است. ظاهراً شیخ عبد النبی جزایری برای اولین بار، برخی از این روایات را دلیل بر شیعه امامی بودن اباصلت قلمداد کرده است (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۰) و به پیروی از او، شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰، ۴۰۲)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳)، شیخ عبد النبی کاظمی (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰ و ۴۱: ر.ک: خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۳۱)، شیخ عباس قمی (شیخ عباس قمی، ۱۴۲۵: ۱، ۱۴۰ - ۱۴۱ و همو، ۱۴۱۴: ۵، ۱۳۶ و ۱۳۷)، شیخ عبدالله مامقانی (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵، ۳، و ۲۱)، آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۸)، شیخ علی نمازی شاهرودی (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۴، ۴۳۱ - ۴۳۲)،

و ج ۸، ۴۰۸، و همو، ۱۴۲۲: ۱۷۷، و ۴۰۱) و محقق شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۶۵، ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۲: ۹۸) برداشت شیخ عبد النبی جزایری را با عبارات گوناگون قبول کرده‌اند. ناگفته نماند وحید بهبهانی دلیل مطرح شده از جانب شیخ عبد النبی جزایری را بسط و گسترش داده‌است، به گونه‌ای که از این روایات، علاوه بر امامی بودن اباضیت، برداشت کرده که وی از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام بوده است که به این دیدگاه اشاره خواهد شد.

شیخ عباس قمی (شیخ عباس قمی، ۱۴۱۴: ۵، ۱۳۶) و شیخ علی نمازی شاهرودی، (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۴، ۴۳۱ - ۴۳۲) از میان روایات انبوهی که اباضیت از امام رضا علیه السلام نقل کرده، دوازده روایت را که دلالت بر تشیع اباضیت دارد انتخاب کرده که به آنها اشاره می‌شود:

۱. روایت شیخ صدوق با سند خویش از اباضیت از امام رضا علیه السلام: «إرفع رأسک یا آدم فانظر إلی ساق عرشى، فرجع آدم رأسه فنظر إلی ساق العرش فوجد علیه مکتوباً: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علیّ أبی طالب أمير المؤمنین، وزوجه فاطمة سیدة نساء العالمین، والحسن والحسین سیداشباب أهل الجنة» فقال آدم علیه السلام: یا ربّ من هؤلاء؟ فقال عزوجلّ: من ذریّتك وهم خیر منک ومن جمیع خلقی ولولاهم ما خلقتک ولا خلقت الجنة والنار ولا السماء والارض...» (صدوق، ۱۴۱۸: ۱۲۴، و همو، ۱۳۶۳: ۱، ۳۰۶ - ۳۰۷، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱، ۱۶۴ - ۱۶۵، ج ۱۶، ۳۶۲).

۲. «... وقال الله عزوجلّ «کلّ من علیها فان ویقی وجه ربک» وقال عزوجلّ «کلّ شیء هالک إلا وجهه» فالنظر الی أنبیاء الله ورسله و حججه علیهم السلام فی درجاتهم ثواب عظیم للمؤمنین یوم القیامة؛ وقد قال النبی صلی الله علیه وآله: من أبغض اهل بیتی وعترتی لم یرنی ولم أره یوم القیامة...» (صدوق، ۱۴۲۷: ۱۱۳، همو، ۱۳۶۳: ۱، ۱۱۵، و همو، ۱۴۱۷: ۵۴۵ - ۵۴۶، طبرسی، ۱۴۱۶: ۲، ۳۸۰، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴، ۳ و ۳۱، ج ۸، ۲۸۳، ج ۲۴، ۲۰۱ - ۲۰۲).

۳. روایت مناظره امام رضا علیه السلام با علی بن محمد بن جهّم درباره عصمت انبیا علیهم السلام (صدوق، ۱۴۱۷: ۱۵۰ - ۱۵۳، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱، ۷۲ - ۷۴).

۴. روایت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در فضیلت خویش و اهل بیت علیهم السلام بر تمامی انبیا و ملائک. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إنّ الله فضلّ انبیائه المرسلین علی ملائکته المقربین، وفضلّنی علی جمیع النبیّین والمرسلین والفضل بعدی لک یا علیّ وللائمة من بعدک وإنّ الملائکة لخدامنا، وخدام محبّینا...» (صدوق، ۱۳۶۳: ۱، ۲۶۲، همو، ۱۳۸۵: ۵، همو، ۱۳۹۰: ۲۵۴ - ۲۵۵، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱، ۱۳۹، ج ۱۸، ۳۴۵ - ۳۴۷؛ و ج ۲۶، ۳۳۵ و ۳۳۸).

۵. روایت اباصلت از امام رضا<sup>ع</sup> که در آن اباصلت اقرار به ولایت امام رضا<sup>ع</sup> دارد: «أنا مقرّ بولايتکم» (صدوق، ۱۳۶۳: ۲، ۱۸۳، ۱۸۴؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۲۵، ۲۶۸ و ج ۴۹، ۹۱ و ۱۷۰).
۶. حدیث «أوتینا فصل الخطاب؟ فهل فصل الخطاب إلّا معرفة اللغات» در اثبات علم امام رضا<sup>ع</sup> به تمامی زبانها و لهجهها (صدوق، ۱۳۶۳: ۲، ۲۲۸، ابن شهر آشوب، بی تا: ۴، ۳۶۲؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶، ۱۹۰ و ج ۴۹، ۸۷).
۷. حدیث سلسله الذهب و حصن که در نیشابور از امام رضا<sup>ع</sup> صادر شده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۸ - ۵۸۹، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷، ۱۳۴).
۸. تفسیر آیه «آلم نشرح لك صدرک» به ولایت امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> در کلام امام رضا<sup>ع</sup> به روایت اباصلت (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳، ۳۱).
۹. روایت مرد هندی که به معجزه امام صادق<sup>ع</sup> مسلمان شد و این جریان را امام رضا<sup>ع</sup> از پدر گرامی‌شان امام کاظم<sup>ع</sup> برای اباصلت نقل کرده‌اند (راوندی، ۱۴۰۹: ۱، ۲۹۹ - ۳۰۳، ابن شهر آشوب، بی تا: ۴، ۲۶۳ - ۲۶۴؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷، ۱۱۳).
۱۰. جریان نفرین امام رضا<sup>ع</sup> علیه مأمون و زلزله شدید در طوس (صدوق، ۱۳۶۳: ۲، ۱۷۳ - ۱۷۴؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۴، ۴۷۳؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ۸۲).
۱۱. تصریح اباصلت و گواهی وی بر آلم بودن امام رضا<sup>ع</sup> و نقل حدیث امام کاظم<sup>ع</sup> که در آن از امام رضا<sup>ع</sup> به عالم آل محمد<sup>ع</sup> یاد شده است (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲، ۶۴ - ۶۵ و ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ۱۰۰).
۱۲. سوالات کلامی و اعتقادی اباصلت از امام رضا<sup>ع</sup> درباره قیام حضرت مهدی<sup>ع</sup> و چگونگی انتقام از نسل قاتلان اباعبدالله<sup>ع</sup> (صدوق، ۱۳۶۳: ۱، ۲۷۳، همو، ۱۳۸۵: ۲۲۹، و ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۱۳).

### بررسی روایات

در بازبینی و بررسی دوباره روایات، چنین می‌توان گفت: روایت پنجم از نظر دلالت، ظهور در تشیع اباصلت دارد نه صراحت. این روایت را شیخ صدوق نقل کرده و عمده دلیل روایی کسانی است که از این روایت برای اثبات تشیع اباصلت، استفاده کرده‌اند:

شیخ عبدالنبی جزایری می‌گوید: «... ومما يدل علی كونه إمامياً ما رواه الصدوق فی كتاب عیون أخبار الرضا<sup>ع</sup>» (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۰) که حدیث «أنا مقرّ بولايتکم» است.

درباره سند این حدیث نیز چنین می‌گوید: «وهذا طریق حسن» (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۰).  
 شیخ حر عاملی می‌فرماید: «وروی الصدوق فی (عیون الأخبار) ما یدل علی صحة اعتقاده  
 وتشیعه» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰، ۴۰۲).

شیخ عبدالله مامقانی نیز سند این حدیث را «صحیح» دانسته و آن را یکی از دلایل تشیع  
 اباصت، بلکه دلیل آن دانسته که وی از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام بوده است (مامقانی، بی تا: ۲،  
 ۱۵۲). که به این نظر اشاره خواهد شد.

آیت الله خوبی نیز بدون ارزیابی سندی، روایت مذکور را تأییدی بر تشیع اباصت دانسته  
 است (خوبی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۸).

البته از روایت ۱، ۴ و ۵ عده‌ای از علما برداشت دیگری کرده‌اند و معتقدند این سه روایت  
 علاوه بر شیعی بودن اباصت، دلالت دارد وی از اصحاب خاص و سر حضرت بوده است.

شیخ عبدالنبی کاظمی، علاوه بر روایات نقل شده از اباصت توسط شیخ صدوق، وجود  
 اباصت در بعضی از سندهای احادیث کتاب کفایة الاثر را که دلالت بر دوازده امام دارد، دلیلی بر  
 شیعه امامی بودن وی می‌داند، ولی با «فتأمل»، در این نظر توقف می‌کند و فقط روایات صدوق  
 را می‌پذیرد (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰ و ۴۱؛ ر.ک: خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۳۱).

محقق شوشتری نیز علاوه بر روایات صدوق علیه السلام به روایت حسن بن علی خزّاز در فضایل ماه  
 مبارک رمضان اشاره کرده و آن را دلیلی محکم بر تشیع اباصت می‌داند. در این روایت، امام  
 رضا علیه السلام اصحاب خود را (از جمله اباصت) در آخرین جمعه ماه شعبان جمع کرد و آنها را این‌گونه  
 خطاب قرار داد: «معاشر شیعی! هذا آخر یوم من شعبان...» (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۶۵، ر.ک:  
 صدوق: ۱۴۱۲، ۹۸).

خلاصه سخن اینکه از میان دوازده روایتی که شیخ عباس قمی و نمازی شاهرودی برای  
 تشیع اباصت به آن استناد کرده بودند، فقط روایت پنجم را است می‌توان دلیلی بر شیعه امامی  
 بودن اباصت دانست.

ذکر این نکته ضروری است که نقل روایات فضایل، به تنهایی هیچ دلالتی بر شیعه بودن راوی  
 ندارد و قرائن وشواهد دیگری باید ضمیمه روایات نقل شده کرد. از این رو، استدلال به روایات  
 نقل شده توسط اباصت، در اثبات شیعه امامی بودن وی به تنهایی کافی نیست.

#### ۴. کتاب «وفاة الرضا علیه السلام»

ظاهراً اولین کسی که کتاب «وفاة الرضا علیه السلام» اثر اباصت هروی و نقل معجزات امام رضا علیه السلام و



امام جوادی<sup>ع</sup> در این کتاب را دلیلی بر امامی بودن اباصلت دانست، مجلسی اول است. ایشان در نقد سخن شیخ طوسی که اباصلت را عامی المذهب معرفی کرده بود می‌گوید:

ظاهراً شیخ طوسی کتاب *وفاة الرضا*، اباصلت و نقل معجزات امام رضا<sup>ع</sup> و امام جوادی<sup>ع</sup> [در آن آرا ندیده است (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۴، ۳۷۹ - ۳۸۰]. کتاب *وفاة الرضا* اکنون به صورت مستقل وجود ندارد و قسمتی از این کتاب در «عیون اخبار الرضاعلیه السلام ج ۲، ۲۴۲ - ص ۲۴۵ باب ۶۳ ح ۱» آمده است.

نجاشی در رجال خود، درباره اباصلت می‌گوید: «له کتاب وفاة الرضا<sup>ع</sup>» (نجاشی، ۱۴۲۵: ۲۴۵، ۶۴۳). آقا بزرگ تهرانی نیز به تبع نجاشی، کتاب *وفاة الرضا* را به اباصلت نسبت می‌دهد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۵، ۱۱۹). اما شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* هیچ اسمی از اباصلت هروی و کتاب وی به میان نمی‌آورد.

ابن شهر آشوب نیز در تتمه *فهرست* شیخ، به نام *معالم العلماء*، به این نکته اشاره‌ای نمی‌کند و همانند شیخ طوسی هیچ نامی از اباصلت و کتاب وی نمی‌برد. علت این دوگانگی و اختلاف در نقل نجاشی و شیخ طوسی معلوم نیست.

البته بعضی از معاصران بر این باورند که *فهرست* شیخ طوسی قبل از رجال نجاشی نگاشته شده است و رجال نجاشی ناظر به *فهرست* شیخ است و مواردی را که شیخ طوسی ذکر نکرده و یا از قلم انداخته، نجاشی در رجال خود آورده و یا تصحیح کرده است (محمد هادی یوسفی غروی، ۱۳۵۷: ۸-۱۱). اگر این سخن را بپذیریم، دیگر اشکالی به شیخ طوسی در *فهرست* وارد نیست و ممکن است کتاب *وفاة الرضا*، اثر اباصلت، به جهت کثرت اشتغال شیخ به علوم مختلف از قلم افتاده باشد. اما چون نجاشی متخصص و محقق در فن رجال بوده، این مطلب را در رجال خود ذکر کرده است. با این اوصاف، اشکال متوجه ابن شهر آشوب خواهد شد که چرا در کتاب *معالم العلماء*، نامی از کتاب اباصلت نمی‌آورد.

۱۳

ذکر این نکته ضروری است که کتاب *وفاة الرضا* و نقل معجزات امام رضا<sup>ع</sup> و امام جوادی<sup>ع</sup> به تنهایی هیچ دلالتی بر شیعه بودن راوی ندارد و قرائن و شواهد دیگری باید ضمیمه روایات نقل شده کرد. از این رو، استدلال به کتاب *وفاة الرضا* و روایات نقل شده توسط اباصلت، در اثبات شیعه امامی بودن وی بسیار دشوار است.

#### ۵. تصریح علمای اهل سنت به تشیع اباصلت

تصریح اهل سنت به تشیع اباصلت، از جمله دلایلی است که بین رجال متأخر شیعه، مطرح و

شایع شده است. ظاهراً اولین شخصی که به این نکته توجه کرده و آن را به صورت دلیل مطرح نموده، شیخ بهایی (۱۰۳۰ ه ق) است.

عده‌ای از علما مانند شیخ بهایی (ابوعلی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹، وعلیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ۵، ۱۵۶)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳)، شیخ عباس قمی (شیخ عباس قمی، ۱۴۲۵: ۱، ۱۴۰ - ۱۴۱، همو، ۱۴۱۴: ۵، ۱۳۶ - ۱۳۷، و همو، ۱۳۷۰: ۲۴۹) و شیخ عبدالله مامقانی (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲ - ۱۵۳) «تصریح علمای اهل سنت به تشیع اباصلت» را دلیلی بر شیعه امامی بودن اباصلت دانسته‌اند. لازمه این سخن، آشکار بودن مذهب اباصلت است. فقط محمد تقی مجلسی (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۴، ۳۸۰) و آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۷) از این دلیل، علاوه بر شیعه امامی بودن اباصلت، آشکار بودن مذهب اباصلت را برداشت کرده و به آن تصریح کرده‌اند.

#### نقد و بررسی

علمای یادشده، با تکیه بر مجموعه‌ای از اصطلاحات به کار رفته درباره اباصلت در کتب اهل سنت، مانند «شیعی جلد»، چنین برداشت کرده‌اند که اباصلت شیعه بوده و این اصطلاحات را یکی از دلایل شیعه امامی بودن اباصلت و اظهار مذهب وی دانسته‌اند. این برداشت کاملاً نادرست بوده و این اصطلاحات به کار رفته درباره اباصلت در کلمات اهل سنت، نه تنها دلالت بر شیعه بودن اباصلت ندارد، بلکه به عنوان قرینه نیز نمی‌توان به این اصطلاحات استناد کرد.

واژه شیعه و مشتقات آن، و کاربرد آن نزد اهل سنت، کاملاً با اصطلاح شیعه و کاربرد آن نزد علمای امامیه تفاوت دارد. اصطلاح شیعه نزد علمای امامیه به معنای اعتقاد داشتن به ولایت بلافصل امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و یازده امام بعد از ایشان است. مقصود از واژه شیعه درباره اباصلت هر وی از دیدگاه علمای امامیه، اعتقاد وی به امامت و ولایت بلافصل حضرت امیر علیه السلام تا امام هشتم یا نهم است. در حالی که واژه شیعه و کاربرد آن نزد اهل سنت، نه تنها بر معنای مذکور دلالت ندارد، بلکه به معنای سنی با گرایشهای شیعی ویا همان متشیع است.

از این رو، اصطلاحاتی همچون «شیعی»، «رافضی» و «شیعی جلد» که درباره اباصلت هر وی و یا هر راوی دیگر در کتب اهل سنت آمده، هیچ دلالتی بر شیعه امامی بودن اباصلت و یا راوی دیگر نداشته و معنایی کاملاً بی‌ارتباط با آن دارد. از این رو، در کتب اهل سنت و طبق مبانی آنها اباصلت سنی مذهب با گرایشهای شیعی معرفی شده است. تفصیل معانی گوناگونی که

اهل سنت از واژه شیعه و مشتقات آن ارائه داده‌اند، در بحث «مذهب اباصلت از دیدگاه اهل سنت» خواهد آمد. بنابراین، کلمات و تصریحات اهل سنت درباره تشیع اباصلت، هیچ دلالتی بر شیعه امامی بودن اباصلت و اظهار مذهب وی در دوران خویش ندارد. از همه مهم‌تر اینکه اگر اباصلت مذهب حقیقی خود را ابراز می‌داشت، قطعاً مطرود اهل سنت دوران خویش قرار می‌گرفت.

### گروه دوم

چنان که گذشت، اکثر علمای امامیه اباصلت را شیعه امامی دانسته‌اند، ولی شیخ طوسی و پیروان ایشان معتقدند اباصلت با اینکه ثقه و مورد اطمینان بوده، شیعه نیست و عامی المذهب است.

### شیخ طوسی (۴۶۰ ق)

وی در «رجال» خود در سه موضع نام اباصلت را آورده، و در دو مورد به عامی بودن وی، تصریح می‌کند. زمانی که اصحاب امام رضا<sup>ع</sup> را می‌شمارد، در بخش اسما، دو مرتبه اسم اباصلت را می‌آورد: «عبدالسلام بن صالح الهروی، أبوالصلت عامی» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۰). و همچنین: «عبدالسلام بن صالح یکنی أبا عبدالله» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۳). در بخش «کنی» نیز کنیه عبدالسلام را متذکر می‌شود، و بر عامی بودن آن، تأکید می‌کند: «أبوالصلت الخراسانی الهروی، عامی، روی عنه بکر بن صالح» (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۹۶).

### دو نکته

۱. چنان که گفته شد، طبق گزارش نجاشی، اباصلت هروی صاحب کتاب وفاة الرضا<sup>ع</sup> است (نجاشی، ۱۴۲۵: ۲۴۵). با این حال، شیخ طوسی هیچ اسمی از اباصلت به عنوان یکی از مصنفان شیعه، در کتاب الفهرست خود نمی‌آورد. جالب توجه اینکه ابن شهر آشوب نیز در معالم العلماء که مستدرک فهرست شیخ طوسی می‌باشد، هیچ اشاره‌ای به اباصلت و کتاب وی نکرده است.

۲. آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۶) و محقق شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۵۹ - ۱۶۱) معتقدند که واژه «عامی» درباره اباصلت در بخش «اسماء» رجال شیخ نیامده و شیخ فقط در بخش «کنی» این مطلب را درباره اباصلت بیان کرده است. آنان با استناد به مجموعه‌ای از قرائن و شواهد ثابت می‌کنند در نسخه اصلی رجال شیخ، عامی بودن اباصلت، فقط در بخش «کنی» آمده نه در بخش «اسماء».

به هر حال، در اینکه شیخ طوسی اباصلت را عامی المذهب دانسته، هیچ تردیدی وجود ندارد

و اینکه شیخ عامی بودن اباضیت را در اسمای رجال گفته یا نگفته، تأثیری در بحث نخواهد داشت، چنان که به این مهم اشاره کرده‌اند (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۶، و شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۵۹ - ۱۶۱).

#### ابن داود حلی (۷۰۷ ق)

کتاب رجال ابن داود، از دو قسم تشکیل شده است: قسم اول مربوط به راویان ثقه و قسم دوم مربوط به راویان ضعیف است. ابن داود حلی نام اباضیت را در قسم اول آورده (ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۲۲۴ و ۴۰۰) ولی به خاطر کلام شیخ طوسی که او را عامی دانسته، نام اباضیت را در قسم دوم کتاب خود نیز آورده است (ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ص ۴۷۴ و ۵۶۷).

#### علامه حلی (۷۲۶ ق)

ایشان نیز به تبعیت از نجاشی، اباضیت را ثقه و احادیثش را صحیح دانسته و به همین اعتبار نام او را در قسم اول کتاب خود آورده (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۲۰۹) و به تبعیت شیخ طوسی و به خاطر عامی بودن اباضیت، نامش را در قسم دوم کتاب خود نیز آورده است (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۴۲۰).

#### دلیل سنی بودن اباضیت

در کتب و آثار شیخ طوسی، ابن داود و علامه حلی، دلیل ویا دلایل عامی المذهب بودن اباضیت ذکر نشده است، ولی شاید بتوان دو روایت کثی، ناتمام بودن دلایل تشیع اباضیت، معاشرت وی با اهل سنت و روایات رسیده از وی در مدح شیخین و صحابه را چهار دلیل مهم بر سنی بودن اباضیت دانست که به آنها اشاره خواهد شد.

#### پیامدهای کلام شیخ

۱. تعدد شخصیت اباضیت. کلمات شیخ طوسی در رجال خود باعث شده این گونه تصور شود که دو نفر اباضیت نام داشته‌اند: یکی عبدالسلام بن صالح اباضیت هروی شیعه ثقه، و دیگری از اهل سنت و ضعیف (شهید ثانی، بی تا: ۴۵۶؛ ر.ک: ابوعلی حابری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۴).
۲. تعارض بین قول نجاشی و شیخ طوسی. برخی دیگر با اصرار بر یکی بودن اباضیت، سعی در جمع بین قول شیخ طوسی و نجاشی برآمده‌اند. به این صورت که کلام نجاشی درباره اباضیت، «ثقة صحیح الحدیث»، ناظر به بُعد روایی و حدیثی اباضیت بوده و سخن شیخ «عامی» ناظر به مذهب اباضیت بوده و این دو قابل جمع است. چنان که این سخن اختصاص به اباضیت



نداشته و راویان دیگری نیز به همین صورت هستند (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱).  
اما برخی دیگر از علما با اصرار بر یکی بودن اباضیت، تهافت و تناقض بین کلام شیخ و نجاشی  
را آشکار دانسته و معتقدند هیچ راه‌حلی برای آشتی بین دو این عبارت وجود ندارد. آنان با استفاده از  
مجموعه‌ای از قرائن و شواهد، کلام نجاشی را مقدم می‌دارند (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱).

### مواضع علما در برابر نظر شیخ طوسی \*

اکثر علمای شیعه، اباضیت را شیعه امامی دانسته‌اند و دیدگاه شیخ طوسی \* و به تبع ایشان  
ابن داود حلی و علامه حلی را نادرست می‌دانند. اما کلمات و مواضع علما در برابر دیدگاه شیخ  
طوسی \* به لحاظ تحلیل سخن شیخ طوسی \*، به سه گروه قابل تقسیم است:

**گروه نخست:** کسانی که معتقدند نظر شیخ طوسی و پیروانش اشتباه بوده و عواملی باعث  
شده است مذهب اباضیت برای شیخ طوسی مشتبه شود و به خطا اباضیت را عامی المذهب  
معرفی کند. **گروه دوم:** کسانی که سخن شیخ طوسی درباره اباضیت را سهو قلم تحلیل کرده‌اند  
و بر این باورند که شیخ طوسی علم به تشیع اباضیت داشته و امر بر او مشتبه نشده است، ولی  
قلم ایشان سهواً لغزیده و به اشتباه اباضیت را عامی المذهب معرفی کرده است. **گروه سوم:**  
کسانی که بدون ارائه هیچ تحلیل و بررسی راجع به کلام شیخ که آیا امر بر ایشان مشتبه شده و  
یا سهو قلم بوده است، با تأکید بر شیعه امامی بودن اباضیت و ارائه مدارک و مستندات در اثبات  
امامی بودن اباضیت، به نقد عامی المذهب بودن وی و دیدگاه شیخ طوسی و پیروانش پرداخته‌اند.

### گروه نخست: مشتبه شدن مذهب اباضیت برای شیخ طوسی \*

بسیاری از علما بر این باورند که اباضیت عامی المذهب نبوده و در تحلیل سخن شیخ طوسی  
که اباضیت را عامی المذهب معرفی کرده است، مشتبه شدن مذهب اباضیت برای شیخ طوسی را  
عنوان می‌کنند و با بیانهای گوناگون سعی در اثبات این مشتبه شدن دارند.

اولین کسی که به این نکته اشاره کرده شهید ثانی است. وی در حاشیه خود بر خلاصه  
الأقوال، اثر علامه حلی، و بعد از نقل کلام نجاشی، علامه حلی و نقل دو روایت کثی درباره  
عظمت اباضیت، وی را شیعه امامی می‌شمارد و با اشاره به کلام شیخ طوسی، نظر ایشان را  
نادرست می‌داند و خاستگاه نظر شیخ را معاشرت بسیار اباضیت با اهل سنت و قرار گرفتن وی در  
طرق و اسانید روایات اهل سنت می‌داند و احتمال تعدد را رد می‌کند. ایشان می‌گوید: «این دو  
روایت کثی اشاره به این نکته دارد که اباضیت با اهل سنت معاشرت بسیار داشته و راوی احادیث

آنان بوده، لذا مذهب اباصلت برای شیخ مشتبه شده و در رجال خود، اباصلت را عامی دانسته و مصنف [علامه حلی] نیز به تبعیت از شیخ در بخش کنیه قسم دوم نام اباصلت عامی را آورده و آن را غیر از اباصلت قسم اول دانسته، که ظاهراً این گونه نبوده و اباصلت یک نفر بوده و نزد موافق و مخالف ثقه و مورد اطمینان است. اما چون با اهل سنت رفت و آمد بسیار داشته، مذهب اباصلت مورد اشتباه برخی قرار گرفته، و امثال این موارد بسیار است مانند محمدبن اسحاق، اعمش و...» (شهید ثانی، بی تا: ص ۴۵۶).

به تبع شهید ثانی، شیخ عبد النبی جزایری (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱)، میرزا استرآبادی (استرآبادی، بی تا: ۱۹۳ - ۱۹۴)، محقق تفرشی (تفرشی، ۱۴۱۸ق، ۳، ۵۹ - ۶۱ و ج ۵، ۱۷۱)، شیخ حرعاملی (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰، ۴۰۲ و همو: تحریر الوسائل (خطی) به نقل از کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۱)، مولی عنایة الله قهپایی (قهپایی، ۱۳۶۴: ۴، ۸۸ - ۸۷ و ج ۷، ۵۵)، اردبیلی حایری (اردبیلی حایری، بی تا: ۱، ۴۵۶ - ۴۵۷ و ج ۲، ۳۹۵)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳ - ۱۹۴)، ابوعلی حایری (ابوعلی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۳ - ۱۲۹) شیخ عبدالنبی کاظمی (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰ - ۴۱)، علیاری تبریزی (علیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ۵، ۱۵۲ - ۱۵۷ و ج ۷، ۴۲۹)، شیخ عباس قمی (شیخ عباس قمی، ۱۴۲۵: ۱، ۱۴۰ - ۱۴۱؛ همو، ۱۴۱۴، ۵، ۱۳۶ - ۱۳۷، همو، ۱۴۲۰: ۳۶ و همو، ۱۳۷۰: ۲۴۲)، و محقق شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۵۹ و ۱۶۵)، با بیانها و عبارات گوناگون نکته شهید ثانی را یادآور شده‌اند.

### عوامل مشتبه شدن مذهب اباصلت برای شیخ طوسی

از سخنان و مواضع شهید ثانی و کسانی که معتقدند مذهب اباصلت بر شیخ طوسی مشتبه شده است، مجموعاً چهار عامل را می‌توان به عنوان منشأ و خاستگاه مشتبه شدن مذهب اباصلت برای شیخ طوسی برداشت کرد: اول، معاشرت بسیار اباصلت با اهل سنت. دوم، وجود اباصلت در طرق و اسناد روایات اهل سنت. سوم، عدم ملاحظه کتاب اباصلت به نام *وفاة الرضا* از جانب شیخ طوسی و عدم ملاحظه روایات اباصلت درباره معجزات امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام. آخرین عامل، نقل بعضی از روایات مدح خلفا توسط اباصلت است.

۱. معاشرت بسیار زیاد اباصلت با اهل سنت

۲. وجود اباصلت در طرق و اسناد روایات اهل سنت

اولین کسی که این دو عامل را به عنوان دلایل مشتبه شدن مذهب اباصلت بر شیخ طوسی

برشمردهاست، شهید ثانی است. وی با اشاره به دو روایت کشی می‌گوید: «و هذا [خبر کشی] يُشعر بأنّه مخالطٌ للعامة و راوٍ لأخبارهم فلذلك إلتبس أمره على الشيخ رحمه الله (شهید ثانی، بی تا: ۴۵۶)؛ دو روایت کشی به این نکته اشاره دارد که اباصلت با اهل سنت معاشرت داشته و روایت آنها را نقل می‌کرده است و به خاطر همین [دو نکته] مذهب اباصلت بر شیخ طوسی مشتبه شده است.»

به تبع شهید ثانی، شیخ عبد النبی جزایری، میرزا استر آبادی، محقق تفرشی، شیخ حر عاملی، اردبیلی حایری، وحید بهبهانی، ابوعلی حایری، شیخ عبد النبی کاظمی، علیاری تبریزی و شیخ عباس قمی، این دو عامل رابه عنوان دو عامل اصلی در مشتبه شدن مذهب اباصلت برای شیخ طوسی، بیان کرده‌اند که عبارت آنان گذشت.

### ۳. عدم ملاحظه کتاب اباصلت به نام وفاة الرضا از جانب شیخ طوسی

این عامل را مجلسی اول مطرح نموده و آن را دلیل مشتبه شدن مذهب اباصلت برای شیخ طوسی دانسته است. ایشان می‌گوید: «ظاهراً شیخ طوسی کتاب وفاة الرضا اباصلت و نقل معجزات امام رضا و امام جواد را ندیده است» (مجلسی اول، ۱۴: ۱۴۰۶، ۱۴، ۳۷۹ - ۳۸۰). ممکن است گفته شود: قبول این عامل مشکل است، چراکه کتاب وفاة الرضا دلیل تشیع اباصلت نیست. از این رو، دیدن و یا ندیدن آن توسط شیخ طوسی تأثیری در بحث ندارد. آنچه در این باره مهم است و مسئله را پیچیده کرده است، شهادت و گواهی شیخ بر عامی المذهب بودن اباصلت است.

### ۴. نقل بعضی از روایات مدح خلفا توسط اباصلت

محقق شوشتری، سخن شیخ طوسی در عامی المذهب معرفی کردن اباصلت را دارای ریشه در مجموعه‌ای از روایاتی می‌داند که در آن اباصلت، خلفا را مدح کرده و شیخین را بر امام علی مقدم داشته است. خطیب بغدادی شافعی به نقل از احمد بن سیار مروزی درباره اباصلت می‌گوید: «اباصلت را در حالی دیدم که ابابکر و عمر را [بر تمامی صحابه] مقدم می‌داشت و بر [امام] علی و عثمان ترحم می‌کرد و از اصحاب پیامبر جز به نیکی یاد نمی‌کرد و از او شنیدم که می‌گفت: این [دیدگاه اباصلت درباره خلفا و صحابه] مذهب و آیین من است» (خطیب بغدادی شافعی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۴۷ - ۴۸).

خطیب بغدادی شافعی در روایت دیگری که در اسناد اباصلت قرار دارد، از خذیفه بن یمان از

پیامبر ﷺ حدیثی در مدح شیخین و امام علیؑ نقل می‌کند: «اگر در خلافت از ابابکر پیروی کنید، او را از نظر توانایی جسمی سست اما استوار در امر خدا می‌یابید. اگر در امر خلافت از عمر پیروی کنید او را قوی و استوار در امر خدا و جسمش خواهید یافت و اگر در امر خلافت از امام علی پیروی کنید او را هدایت کننده و هدایت شونده‌ای می‌یابید که شما را به راه راست هدایت می‌کند» (خطیب بغدادی شافعی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۴۷).

محقق شوشتری در دفاع از اباضیت، این دوروایت را حمل بر تقیه می‌کند: «إِلَّا أَنْ قَوْلَهُ ذَاكَ وَرَوَيْتَهُ تَلْكَ كَانَا تَقِيَةً» (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۶۱ - ۱۶۲). بنابراین، به جز عامل سوم، سه عامل یاد شده را می‌توان عواملی دانست که مذهب اباضیت برای شیخ طوسی را مشتبه کرده است.

#### گروه دوم: سهو قلم شیخ طوسی

برخی از علما نظر شیخ طوسی درباره مذهب اباضیت را به سهو قلم شیخ تحلیل کرده‌اند. شیخ عبد الله مامقانی (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲)، آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۳: ۱۰، ۱۶ - ۱۸) و شیخ علی نمازی شاهرودی (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۴، ۴۳۱ - ۴۳۲) و ج ۸، ۴۰۸، همو، ۱۴۲۲: ۱۷۷، و ۴۰۱، و همو، ۱۴۱۸: ۶، ۳۰۷) از این گروه هستند. علاوه بر آن، شیخ عبد الله مامقانی تبعیت علامه حلی از شیخ طوسی در ائتلاف به عامی المذهب بودن را ناشی از عجله کردن علامه در تألیف کتاب دانسته است (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲).

#### گروه سوم

عده‌ای از علما مانند شیخ بهایی (ابو علی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹)، و علیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ۵، ۱۵۶) و شیخ الاسلام محمد باقر مجلسی (مجلسی، ۱۴۱۵: ۲۳۷، و ۳۵۲)، بدون هیچ تحلیلی از کلام شیخ طوسی و پیروانش، عامی المذهب بودن اباضیت را رد کرده و او را امامی المذهب معرفی کرده‌اند.

#### توجیه کلام شیخ طوسی

دیدگاه علمای امامیه درباره تحلیل نظر شیخ طوسی بیان شد که عده‌ای نظر شیخ را ناشی از مشتبه شدن مذهب اباضیت برای شیخ دانسته‌اند و برخی دیگر آن را سهو قلم وی شمرده‌اند. با توجه به دلایل مطرح شده از سوی علمای امامیه در اثبات شیعه امامی بودن اباضیت، و اینکه



شیعه امامی بودن اباصلت به تعبیر مرحوم مامقانی «کنار علی علم» واضح و روشن است، پرسشی که پدید می‌آید این است که آیا می‌توان با توجه به مدارک و مستندات مطرح شده بگوییم مذهب اباصلت بر شیخ طوسی که متخصص و کارشناس مباحث مقارن و تطبیقی بین مذاهب اسلامی است، مشتبه شده است و یا باید عامی المذهب بودن اباصلت را ناشی از سهو قلم ایشان بدانیم و با بیان این دو احتمال با خیالی آسوده از کنار نظر شیخ عبور کنیم.

درست است که شیخ طوسی، معصوم نبوده و ممکن الخطاست، ولی با توجه به حجم انبوه دلایل مطرح شده در اثبات شیعه امامی بودن اباصلت، نمی‌توان با دو احتمال مشتبه شدن و یا سهو قلم به مسئله عامی المذهب بودن اباصلت از دیدگاه شیخ پایان داد. از این رو، کلام شیخ طوسی را می‌توان به دو گونه توجیه کرد:

**توجیه اول:** شیخ طوسی دلایل مطرح شده برای شیعه امامی بودن اباصلت را کافی ندانسته است و صرف نقل مجموعه‌ای از روایات در فضایل، فقط دلالت بر متشیع بودن اباصلت دارد. همچنین وی کاربرد واژه شیعه در کلمات اهل سنت را دلیل بر امامی بودن اباصلت ندانسته است، چراکه اصطلاح شیعه و کاربرد آن نزد اهل سنت معنایی کاملاً مغایر با شیعه امامی دارد که در بحث مذهب اباصلت از دیدگاه اهل سنت خواهد آمد.

در نقد این توجیه باید گفت: صریح روایت «انا مقر بولایتکم» و ظهور روایت دوم کشی، بر امامی بودن اباصلت، قبول توجیه اول را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

**توجیه دوم:** شیخ طوسی با علم به شیعه امامی بودن اباصلت، به دلیل مسائلی، وی را عامی المذهب معرفی کرده است. به این بیان که مذهب واقعی اباصلت شیعه امامی بوده است، ولی به خاطر مصالحی در آن دوران، اباصلت مذهب واقعی خود را پنهان داشته و خود را سنی مذهب با گرایشهای شیعی معرفی کرده است. اباصلت با این کار خود سهم مهمی را در آن دوران در نقل فضایل حضرت امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت از طریق محدثان بنام اهل سنت ایفا کرد که مهم‌ترین آن نقل حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» از طریق بزرگان اهل سنت مانند عبد الرزاق صنعانی و جریان سلسله الذهب است (مزّی شافعی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۴۶۳، و ر.ک: محمد محسن طیبی، ۱۴۳۱).

اباصلت اگر مذهب واقعی خود را آشکار می‌نمود، به قطع نمی‌توانست چنین جایگاهی نزد علمای اهل سنت آن دوران مانند یحیی بن معین پیدا کند و بدین وسیله مذهب شیعه امامی و فضایل اهل بیت را از طریق اهل سنت منتشر سازد. با این وصف شاید بتوان گفت: برای حفظ همان مصلحتی که اباصلت دنبال می‌کرد و برای تثبیت جایگاه و اعتبارش نزد اهل سنت، با هدف تقویت

احادیث فضایی که وی از بزرگان اهل سنت نقل کرده است، همان گونه که اباصلت خود را سنی مذهب معرفی می‌کرد، شیخ طوسی نیز او را عامی المذهب معرفی کرده است تا احادیث نقل شده توسط اباصلت با تصریح به امامی بودن وی و کشف واقع از مذهب او نزد آنان از اعتبار ساقط نشود. با توجه به این نکته که شیخ طوسی در مباحث مقارن و تطبیقی بین مذاهب اسلامی خبره و کارشناس بوده است، توجیه دوم را دور از واقعیت نمی‌توان دانست و به آسانی نمی‌توان ایشان را متهم به سهو قلم و یا به اشتباه افتادن کرد.

### آیا اباصلت مذهب خود را آشکار می‌کرد؟

همان گونه که گذشت، درباره مذهب اباصلت از دیدگاه امامیه دو دیدگاه مطرح است: شیعی امامی بودن اباصلت، و عامی المذهب بودن وی. پرسش این است که اگر اباصلت شیعه امامی بود، آیا مذهب خود را ابراز می‌داشت و یا آن را مخفی و پنهان نگه می‌داشت. در بحث دلیل پنجم از دلایل پنج‌گانه بر تشیع اباصلت گفته شد که گروهی از علمای امامیه بر این باورند که اباصلت مذهب خود را ابراز و آشکار می‌داشت. شیخ بهایی، مجلسی اول، وحید بهبهانی، شیخ عباس قمی، شیخ عبد الله مامقانی و سید ابوالقاسم خوبی برای اثبات آشکار بودن مذهب اباصلت، به تصریحات و اعترافات اهل سنت راجع به شیعه بودن وی استناد کرده‌اند. در نقد این دیدگاه باید گفت، مقصود اهل سنت از واژه «شیعه»، غیر از مدعی علمای امامیه یعنی همان شیعه امامی بودن است و معنایی کاملاً مغایر با آن دارد. طبق مبنای اهل سنت، اباصلت، سنی مذهب با گرایشهای شیعی (به معنای خاص آن) است. بنابراین، نمی‌توان مدعی شد که اباصلت مذهب واقعی خود را آشکار و ابراز می‌کرد. تفصیل این مطلب خواهد آمد.

### آیا اباصلت از شیعیان واصحاب خاص امام رضا است؟

گفته شد، اکثر علمای امامیه اباصلت را شیعه امامی می‌دانند و فقط شیخ طوسی و پیروانش اباصلت را عامی المذهب دانسته‌اند. از میان کسانی که اباصلت را شیعه امامی دانسته‌اند، گروهی بر این باورند که اباصلت از شیعیان واصحاب خاص و سر امام رضا بوده است. ظاهراً اولین کسی که این نظر را مطرح کرده، ابن شهر آشوب مازندرانی (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴، ۳۵۰) است. شیخ بهایی (ابو علی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹ و علیاری تبریزی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۱۵۶)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳)، ابوعلی حایری (ابوعلی حایری، ۱۴۱۶: ۴، ۱۲۸ - ۱۲۹)،

شیخ عبدالنبی کاظمی (کاظمی، ۱۴۲۵: ۲، ۴۰ - ۴۱) و شیخ عبدالله مامقانی (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۲ - ۱۵۳، ج ۳، ۲۱) این دیدگاه را پذیرفته‌اند. البته محقق شوشتری، نظر مرحوم مامقانی را در این باره قبول نداشته و معتقد است اباصلت هروی، فقط شیعه امامی است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۶، ۱۶۵).

### دلیل این گروه

عمده دلیل این گروه، روایات خاصی است که اباصلت از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام نقل کرده است. بعضی از این احادیث، معجزات و کرامات امام رضا علیه السلام و بعضی دیگر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام است. چنان که گذشت، گروهی از علما از این روایات شیعه امامی بودن و اظهار آن توسط اباصلت را برداشت کرده بودند، ولی شیخ بهایی و سایرین، علاوه بر مطالب قبل، «صحابی خاص و سرّ بودن اباصلت» را نیز برداشت کرده‌اند. بین روایات بیشترین تکیه و اعتماد این گروه بر چهار روایت ذیل است.

۱. اباصلت هروی قال: قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «...وإن آدم علیه السلام لما أكرمه الله تعالى ذكره بإسجاد ملائكته له وبادخاله الجنة قال في نفسه: هل خلق الله بشراً أفضل مني؟ فعلم الله عزوجل ما وقع في نفسه، فناداه، إرفع رأسك يا آدم فانظر إلى ساق عرشي، فرفع آدم رأسه فنظر إلى ساق العرش فوجد عليه مكتوباً: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي بن ابي طالب أمير المؤمنين، وزوجه فاطمة سيدة نساء العالمين، والحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة». فقال آدم: يا ربّ من هؤلاء؟ فقال عزوجل: من ذريّتك وهم خير منك ومن جميع خلقی، ولولا هم ما خلقتك ولا خلقت الجنة والنار ولا السماء والارض...» (صدوق، ۱۳۶۳: ۱، ۳۰۶ - ۳۰۷، همو، ۱۴۱۸: ۱۲۴؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱، ۱۶۴ - ۱۶۵، ج ۱۶، ۳۶۲، ج ۲۶، ۲۷۳).

و حید بهبهانی، بعد از نقل این حدیث می‌فرماید:

«یظهر منها كونه شیعياً ومن خواصّه و أصحاب أسرارہ... لا يخفى أنّه لا يروى مثل هذا الحديث إلا الخواص من الشيعة والخلص من الفرقة الناجية الاثني عشرية» (و حید بهبهانی، بی تا: ۱۹۳).

۲. در یک حدیث طولانی، اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام از پدران گرامی اش، از

امیرالمؤمنین علیه السلام، از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«ما خلق الله عزوجل خلقاً أفضل مني، ولا أكرم عليه مني، قال علي عليه السلام: فقلت: يا رسول الله فأنت أفضل أو جبرئيل؟ فقال صلى الله عليه وآله: يا علي إن الله تبارك وتعالى فضل أنبيائه المرسلين على ملائكته المقربين، وفضلني على جميع النبيين والمرسلين، والفضل بعدى لك يا علي وللائمة من بعدك وإن الملائكة لخدّامنا، وخدّام محبّينا.

یا علی، الذین یحملون العرش ومن حوله یُسَبَّحون بحمد ربهم ویستغفرون للذین آمنوا بولایتنا، یا علیّ لولا نحن، ما خلق الله آدم ولا حواء ولا الجنة ولا النار ولا السماء ولا الارض، فكيف لانكون أفضل من الملائكة وقد سبقناهم إلى معرفة ربنا وتسيبجه وتهليله وتقديسه...» (صدوق، ۱۳۶۳: ۱، ۲۶۲، همو، ۱۳۸۵: ۵، همو، ۱۳۹۰: ۲۵۴ - ۲۵۶، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱، ۱۳۹، ج ۱۸، ۳۴۵ - ۳۴۷ و ج ۲۶، ۳۳۵ - ۳۳۸).

۳. روزی اباصلت هروی نزد امام رضا علیه السلام رسید و به ایشان چنین عرض کرد:

«یا بن رسول الله ما شیء یحکیه عنکم الناس؟ قال: و ما هو؟ قلت: یقولون: إنکم تدعون أن الناس لکم عبید، فقال، اللهم فاطر السماوات والارض، عالم الغیب والشهادة أنت شاهد بانى لم أقل ذلك قط ولا سمعت أحداً من أبائی علیهم السلام قال قط، وأنت العالم بمالنا من المظالم عند هذه الأمة وإن هذه منها.

ثم أقبل علیّ فقال: یا عبدالسلام اذا كان الناس کلهم عبیدنا علی ما حکوه عننا فممن نبيعهم؟ فقلت: یا بن رسول الله صدقت، ثم قال: یا عبدالسلام أمنکر أنت لما أوجب الله عزوجل لنا من الولاية كما ینکره غیرک؟ قلت: معاذالله بل أنا مقر بولايتکم» (صدوق، ۱۳۶۳: ۲، ۱۸۳ - ۱۸۴؛ ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵، ۲۶۸ و ج ۴۹، ۹۱ و ۱۷۰).

شیخ عبدالنبی جزایری ابن حدیث را «حسن» دانسته (جزایری، ۱۴۱۸: ۲، ۱۰۸ - ۱۱۱)، ولی شیخ عبدالله مامقانی از آن تعبیر به «صحیح» کرده است (مامقانی، بی تا: ۲، ۱۵۳).

۴. روایت اباصلت درباره شهادت امام رضا علیه السلام که شامل پیشگویی امام رضا علیه السلام از کیفیت شهادت آن حضرت و حوادث بعد از شهادت، حضور اعجاز آمیز امام جواد علیه السلام از مدینه به طوس هنگام اواخر عمر شریف امام رضا علیه السلام و آزاد شدن اعجاز آمیز اباصلت توسط امام جواد علیه السلام از زندان مأمون عباسی است (صدوق، ۱۳۶۳: ۲، ۲۴۲ - ۲۴۵).

استناد به تنهایی وبدون قرینه به این گونه روایات برای اثبات ز اصحاب خاص امام رضا بودن اباصلت، دشوار بوده وبه دقت وتامل بیشتری نیاز دارد.

### مذهب اباصلت از دیدگاه اهل سنت

درباره مذهب اباصلت هروی، سخنان و کلمات گوناگونی در کتب اهل سنت گفته شده است. گروهی او را «شیعی» و یا «شیعی جلد» دانسته اند برخی دیگر با تندی اباصلت را به «رافضی خبیث» متصف کرده اند و البته عده ای دیگر درباره مذهب او سکوت اختیار کرده اند. نکته ای که در اینجا باید بر آن تأکید کرد این است که اباصلت از دیدگاه اهل سنت وطبق

مبنای آنان، سنی مذهب است و مقصود از واژگان «شیعی»، «شیعی جلد» و «رافضی» نزد اهل سنت، شیعه امامی نبوده و معنای خاصی نزد آنان دارد که به تفصیل ذکر خواهد شد.

از این رو، اول به کلمات اهل سنت درباره مذهب اباصلت اشاره خواهد شد، پس از آن به شرح معنای شیعه و معنای مقصود از آن نزد اهل سنت می‌پردازیم و در نهایت با نقد و بررسی مستندات تاریخی، سنی بودن اباصلت از دیدگاه اهل سنت را روشن خواهیم ساخت.

«شیعی»: یحیی بن معین (خطیب بغدادی شافعی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۴۸ - ۴۹، مزی شافعی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۴۶۳، و ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۴: ۶، ۲۸۶)، ابن حبان بُسْتی شافعی (ابن حبان بُسْتی شافعی، ۱۳۹۳: ۸، ۴۵۶)، ابن شاهین (ابن شاهین، ۱۴۰۶: ۲۲۷)، ذهبی سلفی (ذهبی سلفی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۴۴۶ و ۴۴۸؛ همو، ۱۴۱۸: ۱، ۶۲۴، همو، ۱۴۱۳: ۱، ۶۵۲ - ۶۵۳) در بعضی از کتبش، ابن حجر عسقلانی شافعی (ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۳۹۵: ۱، ۵۰۶) و البته ابن تَعْرَى حنفی (ابن تَعْرَى حنفی، ۱۴۱۳: ۲، ۳۴۴) با تردید، اباصلت را به «تشیع» متصف کرده‌اند.

«شیعی جلد»: در میان اهل سنت فقط ذهبی سلفی، در بعضی از کتابهایش، اباصلت را به «شیعی جلد» متصف کرده است (ذهبی سلفی، بی تا: ۲، ۶۱۶).

«رافضی خبیث»: از اهل سنت، عَقْبیلی مکی (عَقْبیلی مکی، ۱۴۰۴: ۳، ۷۰ - ۷۱) و دار قطنی شافعی (ابن عبارت در کتاب ضعفاء دار قطنی یافت نشد و در کتب دیگر این عبارت به دار قطنی شافعی نسبت داده شده است. ر.ک: خطیب بغدادی شافعی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۵۱؛ مزی شافعی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۴۶۴؛ ذهبی سلفی، بی تا: ۲، ۶۱۶ و ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۴: ۶، ۲۸۶)، اباصلت را «رافضی خبیث» معرفی کرده‌اند.

### معنای واژگان «شیعه»، «شیعه جلد» و «رافضی» نزد اهل سنت

واژه شیعه و کاربرد آن نزد اهل سنت کاملاً با اصطلاح شیعه و کاربرد آن نزد علمای امامیه تفاوت دارد. اصطلاح شیعه امامیه نزد علمای امامیه، به معنای اعتقاد داشتن به ولایت بلافصل امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و یازده امام بعد از ایشان است و مقصود از شیعه بودن اصحاب ائمه علیهم السلام اعتقاد به ولایت بلافصل حضرت امیر علیه السلام تا همان امام حاضر است. در حالی که واژه شیعه و مشتقات آن نزد اهل سنت معنایی غیر از معنای یاد شده داشته و هیچ ارتباطی با معنای شیعه از دیدگاه علمای امامیه ندارد. از این رو، نمی‌توان از کاربرد واژگان «شیعه»، «شیعه جلد» و «رافضی» درباره اباصلت، به شیعه امامی بودن وی پی برد.

«شیعه»: درباره معنای شیعه دو دیدگاه وجود دارد: برخی معتقدند شیعه به کسی گفته می‌شود

که دوستدار امام علی علیه السلام است و ایشان را بر عثمان برتری می‌دهد و معتقد است که امام علی در تمامی جنگ‌هایش بر حق بوده و محاربان ایشان خطاکار بوده‌اند، اما شیخین را بر امام علی علیه السلام مقدم می‌دارد (ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۴: ۱، ۸۱ و همو، ۱۴۰۷: ۴۸۳).

برخی دیگر معتقدند شیعه کسی است که امام علی علیه السلام را بر تمامی صحابه حتی بر شیخین مقدم می‌دارد و قائل به افضلیت ایشان است نه احقیت در خلافت. (ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۴: ۱، ۸۱)

«شیعه غالی، جلد»: درباره معانی این دو واژه نیز دو دیدگاه وجود دارد: برخی بر این باورند که شیعه غالی یا جلد کسی است که امام علی علیه السلام را در تمامی فضایل سرآمد صحابه حتی شیخین بداند. (ذهبی سلفی، بی تا: ج ۱، ۵ - ۶ و ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۷: ۴۸۳)

اما برخی دیگر می‌گویند: شیعه غالی یا جلد کسی است که امام علی علیه السلام را دوست می‌دارد و با اینکه ایشان را بر شیخین مقدم نمی‌دارد، ولی امام را بر عثمان مقدم می‌دارد و عثمان، معاویه، طلحه، زبیر، و کسانی را که با امام جنگیده‌اند لعن می‌کند (ذهبی سلفی، بی تا: ۱، ۶).

«رافضی»: به اتفاق اهل سنت به کسی گفته می‌شود که علاوه بر محبت و دوستی امام علی علیه السلام و سرآمد دانستن آن حضرت بر تمامی صحابه حتی بر شیخین در داشتن فضایل، امام علی را خلیفه بلافصل بعد از پیامبر بداند و از شیخین و غاصبین خلافت برائت جوید و آنها را لعن و نفرین کند (همان و ابن حجر عسقلانی شافعی، ۱۴۰۴: ۱، ۸۱).

بنابراین، واژه شیعه، شیعه غالی و جلد درباره کسانی که به کار می‌رود که سنی مذهب هستند، ولی گرایش‌های خاص دارند. اما واژه رافضی درباره کسی است که قائل به خلافت بلافصل امیر مؤمنان است که از این واژه نمی‌توان به شیعه امامی بودن شخصی پی برد، زیرا رافضی شامل زیدیه، کیسانیه واقفیه و امثال آن می‌شود.

#### نقد و بررسی

با توجه به معانی یاد شده و مستندات تاریخی اهل سنت و سخنانی که از اباصلت در منابع آنها منعکس شده، به صورت قطع می‌توان گفت: اباصلت سنی مذهب بوده، ولی رافضی نیست. نهایت مطلبی که از گزارش‌های تاریخی اهل سنت درباره اباصلت می‌توان برداشت کرد این است که اباصلت سنی مذهب و دارای گرایش‌های شیعه غالی و جلد بوده است. گزارش‌های تاریخی در این باره که سنی مذهب بودن و گرایش‌های شیعی او را ثابت می‌کند، عبارت‌اند از:

۱. اباصلت هروی احادیث فضایل اهل بیت و به ویژه احادیث فضایل حضرت امیر مؤمنان

علی علیه السلام را بسیار نقل می کرد، مانند نقل حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» و حدیث سلسله الذهب. (خطیب بغدادی شافعی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۴۷-۴۸؛ مزی شافعی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۴۶۴)

۲. خطیب بغدادی شافعی به نقل از «تاریخ مرو» مروزی و درباره اباصلت می گوید: «وكان يُعرف بكلام الشيعة؛ اباصلت متكلم شيعي معروفی بود» (همان).

۳. همو به نقل از مروزی شافعی درباره عقیده اباصلت درباره خلفا می گوید: «ورأيتُه يقدم أبابكر وعمر ويترحم على علي وعثمان ولا يذكر أصحاب النبي صلى الله عليه وآله إلا بالجميل وسمعته يقول: هذا مذهبي الذي أدين الله به» (همان).

۴. مروزی شافعی تنها نقطه ضعف اباصلت را در نقل روایات مثالب درباره برخی از صحابه از جمله ابوموسی اشعری و معاویه دانسته و می گوید: «إلا أن ثمّ احاديث يرويها في المثالب» (همان)

۵. اما در نقل دیگری دارقطنی شافعی مدعی است که اباصلت درباره بنی امیه چنین گفته است: «كذب للعلوية، خيراً من جميع بني أمية، فقيل: فيهم عثمان! فقال: فيهم عثمان» (همان، ۱۱، ۵۱)

این نقل با گزارش مروزی شافعی که گذشت در تعارض است. البته ذهبی سلفی سخن دارقطنی شافعی را نمی پذیرد و در سند آن خدشه وارد می کند (ذهبی سلفی، ۱۴۲۵: ۶، ۹۲) و گزارش مروزی را می پذیرد.

بنابراین، اباصلت طبق دیدگاه اهل سنت، متشیع و از اهل سنت بوده و شیخین را خلیفه می دانسته، اما گرایش زیادی به امام علی علیه السلام و نقل فضایل آن حضرت داشته، و درباره ابوموسی اشعری معاویه و بنی امیه نیز موضع منفی داشته است که همین گرایشها سبب شده نام او را در شیعیان غالی و جلد ثبت نمایند.

از این رو، سخن عقیلی مکی و دارقطنی شافعی که اباصلت را رافضی معرفی کرده اند، ادعایی بی مستند و مدرک است و طبق مبانی و تعریف خاص اهل سنت از «شیعه» نیست.

### جمع بندی

اکثر علمای امامیه اباصلت هروی را شیعه امامی معرفی کرده اند، به گونه ای که برخی او را از خواص شیعیان دانسته اند و برخی دیگر معتقدند اباصلت مذهب خویش را علنی و آشکار کرده است. دلایل قائلان به شیعه امامی بودن اباصلت عبارت انداز: ۱. عبارت نجاشی. ۲. دو روایت کشی. ۳. روایات نقل شده توسط اباصلت. ۴. کتاب *وفاة الرضا* و نقل معجزات امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام. ۵. تصریح علمای اهل سنت به تشیع وی. از دلایل مطرح شده، فقط صریح روایت «انا مقرر بولايتكم» و ظهور روایت دوم کشی، دلالت بر امامی بودن اباصلت دارد و سایر دلایل نیز، می توانند

قراين خوبی در کنار دو روايت ياد شده براي اثبات شيعه امامي بودن اباصلت هروي باشند. از طرف ديگر، عده‌اي از علمای اماميه، مانند شيخ طوسي و ابن داود حلي و علامه حلي، و اکثر اهل سنت اباصلت را عامی المذهب با گرايشهای شيعی و به ديگر سخن «متشيع» معرفي کرده‌اند. با توجه به اثبات شيعه امامي بودن اباصلت از دو روايت ياد شده به همراه ساير قراين در منابع اماميه، دو گونه توجيه می‌توان درباره اظهار نظر شيخ طوسي و پيروانش ارائه کرد:

۱. توجيه مشهور علمای اماميه. آنها سخن شيخ رابه سهو قلم و يا مشتبه شدن امر توجيه کرده‌اند.

۲. توجيه پيشنهادی نگارنده. نگارنده مقاله بر اين باور است که شيخ طوسي با علم به شيعه امامي بودن اباصلت، به خاطر مسائلي، وی را عامی المذهب معرفي کرده است. اين توجيه راه حل مناسب و جمعی منطقی بين دیدگاه اکثر علمای اماميه و شيخ طوسي و پيروانش است که تفصيل آن در توجيه دوم کلام شيخ طوسي گذشت. همچنين دیدگاه اکثر علمای اماميه و تصريحهای بزرگان اهل سنت را نیز می‌توان مؤيد راه حل مذکور دانست.

بر اساس اين توجيه اولاً، شيخ طوسي و پيروانش به سهو قلم و مشتبه شدن امر بر وی و يا تعجيل در نوشتن! متهم نمی‌شوند. ثانياً، تعدد شخصيت اباصلت، تعارض بين سخن نجاشي و شيخ طوسي که از پيامدهای نظر شيخ بود، از بين می‌رود. ثالثاً، با احتياط کمتر و جسارت بيشتري می‌توان اعتقاد به شيعه امامي بودن اباصلت را به تمامی علمای اماميه نسبت داد، با اين بيان که مذهب واقعی اباصلت شيعه امامي بوده ولی تقيه می‌کرده است. کلمات اکثر علمای اماميه ناظر به مذهب واقعی وی است و کلام شيخ طوسي و پيروانش اشاره به مذهب تقيه‌ای اباصلت دارد.

### سخن نهایی درباره مذهب اباصلت

درباره مذهب اباصلت بايد گفت: او از دیدگاه اکثر علمای اماميه، شيعه امامي بوده است و باعنایت به توجيه پيشنهادی می‌توان گفت: از دیدگاه تمام علمای اماميه، مذهب واقعی اباصلت شيعه امامي بوده، ولی تقيه می‌کرده است. کلمات اکثر علمای اماميه ناظر به مذهب واقعی وی است. و کلام شيخ طوسي و پيروانش اشاره به مذهب تقيه‌ای اباصلت دارد. از اين رو، اعتقاد به تجاهر و ابراز مذهب اباصلت، ادعایی کاملاً بی دليل است. همچنين دلایل کسانی که اباصلت را از اصحاب خاص امام رضا دانسته‌اند، دشوار و نیازمند دقت و تأمل بيشتري است. اما از دیدگاه اهل سنت، اباصلت، متشيع و سنی‌مذهب با گرايشهای شيعی معرفي شده است و همين تصريح بزرگان اهل سنت بر متشيع بودن اباصلت، مؤيد روشنی بر تقيه کردن وی در مذهب واقعی خود است.



## منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، ۱۳۸۷ هـ.ق: *الدريعة الى تصانيف الشيعة*، تهران، مكتبة الاسلاميه، چ ۱.
۲. ابن تغری بردی اتابکی حنفی، جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف، ۱۴۱۲ هـ.ق: *النجوم الزاهرة في ملوک مصر و القاهرة*، تحقیق: محمدحسین شمس‌الدین، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن حبان بستی شافعی، ابوحاتم محمدبن حبان بن احمد، ۱۳۹۳ هـ.ق: *کتاب الثقات*، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن حجر عسقلانی شافعی، احمدبن علی، ۱۳۹۵ هـ.ق: *تقریب التهذیب*، تحقیق، عبدالوهاب عبد اللطیف، چ ۲، بیروت، دارالمعرفة.
۵. ابن حجر عسقلانی شافعی، احمدبن علی، ۱۴۰۴ هـ.ق: *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر، چ ۱.
۶. ابن عجر عسقلانی شافعی، احمدبن علی، ۱۴۰۷ هـ.ق: *مقدمة فتح الباری معروف به هدی الساری*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي و محب‌الدین خطیب، مصر، دارالریان للتراث.
۷. ابن داودحلی، تقی‌الدینحسن بن علی، ۱۳۸۳ هـ.ش: *کتاب الرجال*، دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
۸. ابن شاهین، ابوحفص عمر بن احمدبن عثمان، ۱۴۰۶ هـ.ق: *تاریخ أسماء الثقات*، تحقیق: عبدالمعطی امین قلجی، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین محمدبن علی، بی تا: *مناقب آل ابی طالب*، قم، انتشارات علامه.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمدعلی بن علی، ۱۳۸۰ هـ.ق: *معالم العلماء*: مطبعة الحیدریة، نجف اشرف.

١١. ابوعلی حایری، شیخ محمدبن اسماعیل مازندرانی، ١٤١٦ هـق: *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ج ١.
١٢. اردبیلی حایری، محمدبن علی غروی، بی تا: *جامع الرواة و ازاحة الاستباهات عن الطرق والأسناد*، ج ١، بی جا.
١٣. دارقطنی بغدادی شافعی، ابوالحسن علی بن عمر بن احمد، ١٤٠٠ هـق: *كتاب الضعفاء و المتروکین*، تحقیق: محمدبن لطفی صباغ، ج ١، بیروت، المكتب الاسلامی.
١٤. شیخ بهایی عاملی، شیخ محمدبن حسین، بی تا: *مشرق الشمسین*، مكتبه بصیرتی، قم.
١٥. تفرشی، سیدمصطفی بن حسین حسینی، ١٤١٨ هـق: *نقد الرجال*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ج ١.
١٦. جزائری، شیخ عبدالنبی، ١٤١٨ هـق: *حاوی الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق و نشر: مؤسسه الهدایة لاحیاء التراث، ج ١، قم.
١٧. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن خطی، *تحریر الوسائل*، به نقل از تلمة الرجال کاظمی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
١٨. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن، ١٠٤١٤ هـق: *تفصیل وسائل الشیعة- الی تحصیل مسائل الشریعة*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ج ٢.
١٩. حسن بن زین الدین الشهید الثاني، ١٤٠٨ هـق: *التحریر الطاووسی*، تحقیق: سیدمحمد حسن ترحینی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ج ١.
٢٠. خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمدبن علی رازی، ١٤٠١ هـق: *کفایة الأثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، تحقیق: سیدعبد الطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات بیدار.
٢١. خطیب بغدادی شافعی، احمدبن علی، ١٤١٧ هـق: *تاریخ بغداد*، ج ١، دارالکتب العلمیة بیروت.
٢٢. خوبی، سیدابوالقاسم، ١٤٠٣ هـق: *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج ٣، قم، منشورات مدینة العلم.
٢٣. ذهبی سلفی، شمس الدین، ١٤١٣ هـق: *الکاشف*، تحقیق: محمد غوامه، ج ١، دارالقبلت عربستان، مؤسسه علوم القرآن.
٢٤. ذهبی سلفی، شمس الدین، ١٤١٨ هـق: *المغنی فی الضعفاء*، تحقیق: ابوالزهراء حازم قاضی، ج ١، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۲۵. ذهبی سلفی، شمس‌الدین، ۱۴۲۵ هـ ق: *تذهیب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: غنیم عباس غنیم و مجدی سیدامین، چ ۱، قاهره، نشر الفاروق الحدیثه.
۲۶. ذهبی سلفی، شمس‌الدین، ۱۴۱۷ هـ ق: *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب ارنوط، چ ۱۱، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۷. ذهبی سلفی، شمس‌الدین، بی تا: *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دارالفکر.
۲۸. راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ هـ ق: *الخرائج و الجرائح*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه الامام المهدي (عج)، چ ۱.
۲۹. سبحانی، شیخ جعفر، ۱۴۲۶ هـ ق: *أصول الحدیث و أحكامه فی علم الداریه*: قم، نشر مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چ ۴.
۳۰. شوشتری، شیخ محمدتقی، ۱۴۱۰ هـ ق: *قاموس الرجال*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۲.
۳۱. شهید ثانی، زین‌الدین عاملی، بی تا: *التعلیقه علی خلاصه العلامه*، چاپ سنگی.
۳۲. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۴۲۷ هـ ق: *التوحید*، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم حسینی تهرانی، چ ۹، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۳۳. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۴۱۸ هـ ق: *معانی الأخبار*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، چ ۴، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۳۴. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۴۱۷ هـ ق: *الامالی*، تحقیق و نشر: موسسه بعثت، چ ۱.
۳۵. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۸۵ هـ ق: *علل الشرائع*، چ ۱، مکتبه الحیدریه، نجف اشرف.
۳۶. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۶۳ هـ ق: *عیون اخبار الرضا*، تعلیق و تصحیح: سیدمهدی حسینی لاجوردی، چ ۲، ناشر، رضا مشهدی، قم، ایران.
۳۷. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۹۰ هـ ق: *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، چ ۱، مکتبه الصدوق، تهران، ایران.
۳۸. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۴۱۲ هـ ق: *فضائل الأشهر*

- الثلاثة، تحقیق میرزاغلامرضا عرفانیان، ج ۲، دارالمحجّة البيضاء، بیروت.
۳۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۴۱۷ هـ ق: *اعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۱.
۴۰. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، ۱۴۱۶ هـ ق: *الاحتیاج*، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمدهادی به، ج ۲، دارالأسوه، قم.
۴۱. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی، ۱۳۴۸ هـ ش: *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق: حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد.
۴۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی، ۱۴۲۲ هـ ق: *الفهرست*، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهة، ج ۲.
۴۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی، ۱۴۱۴ هـ ق: *الأمالی*، ج ۱، تحقیق و نشر: دارالثقافة، قم، ایران.
۴۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی، ۱۳۸۱ هـ ق: *رجال الطوسی*، تحقیق و تعليق: سیدمحمدصادق آل بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، ج ۱.
۴۵. عقیلی مکی، ابوجعفر محمدبن عمروبن موسی بن حماد، ۱۴۰۴ هـ ق: *الضعفاء الكبير*، بیروت، تحقیق: عبدالمعطی امین قلجی، مؤسسه الرساله.
۴۶. عیاری تبریزی، ملاعلی، ۱۴۰۶ هـ ق: *بهجة الأمال فی شرح زیدة المقال*، مصحح: سیدهدایة اله مستر حمی، ج ۱، نشر بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، قم.
۴۷. شیخ عباس قمی، ۱۴۲۵ هـ ق: *الکنی والألقاب*، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، قم.
۴۸. شیخ عباسی قمی، ۱۳۷۰ هـ ش: *تحفة الاحباب فی نوادر آثار الأصحاب*، تحقیق: علی محدثزاده و سیدجعفر حسینی، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۴۹. شیخ عباسی قمی، ۱۴۱۴ هـ ق: *سفینة البحار و مدينة الحكم و الآثار*، ج ۱، انتشارات اسوه، قم، ایران.
۵۰. شیخ عباسی قمی، ۱۴۲۰ هـ ق: *هدیة الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی والألقاب و الانساب*، تعریب: شیخ هاشم صالحی، تحقیق و نشر: مؤسسه نشر الفقاهة، ج ۱، قم.
۵۱. قهپایی، زکی الدین مولی عنایه الله بن علی، ۱۳۶۴ هـ ش: *مجمع الرجال*، مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، قم.

۵۲. کاظمی، شیخ عبدالنبی، ۱۴۲۵هـ.ق: *تکملة الرجال*، تحقیق: سیدمحمدصادق بحر العلوم، ج ۱، انتشارات انوار الهدی، قم.
۵۳. مامقانی، شیخ عبدالله، بی تا: *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، مطبعة المرتضویه، نجف اشرف.
۵۴. مامقانی، شیخ عبدالله، ۱۴۱۱هـ.ق: *مقباس الهدایة فی علم الداریة*، تحقیق: محمدرضا مامقانی، نشر: مؤسسه آل البيت علیه السلام للاحیاء التراث، ج ۱، قم، ایران.
۵۵. مجلسی اول، مولی محمدتقی، ۱۴۰۶ هـ.ق: *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، تحقیق و تعلیق: سیدحسن موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهازی، ج ۲، نشر بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیور، قم.
۵۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۱۵هـ.ق: *رجال المجلسی (ترتیب الوجیزه فی علم الرجال)*، عبدالله سبزالی حاج، ج ۱، مؤسسه اعلمی، بیروت.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ هـ.ق: *بحار الانوار والجماعة الدرر أخبار الأئمة - الأطهار*: ج ۲، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
۵۸. محمدحسن بن شهید ثانی، ۱۴۱۹هـ.ق: *استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار*، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت علیه السلام للاحیاء التراث، ج ۱، قم، ایران.
۵۹. مزّی شافعی، یوسف بن عبدالرحمن، ۱۴۱۴هـ.ق: *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: احمدعلی عبید و حسن احمد آغا، ج ۱، دارالفکر، بیروت، لبنان.
۶۰. نجاشی، ابوعباس احمدبن علی بن احمد بن عباس اسدی کوفی، ۱۴۱۸هـ.ق: *رجال النجاشی*، تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۶، قم.
۶۱. نمازی شاهرودی، شیخ محمد علی، ۱۴۲۲هـ.ق: *مستطرفات المعالی*، تحقیق و تصحیح: شیخ حسن بن علی نمازی شاهرودی، ج ۱، ناشر: فرزند مؤلف با همکاری مؤسسه نبأ، ج ۱، تهران.
۶۲. نمازی شاهرودی، شیخ محمد علی، ۱۴۱۲هـ.ق: *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۱، اصفهان، ایران.
۶۳. نمازی شاهرودی، شیخ محمد علی، ۱۴۱۸هـ.ق: *مستدرک سفینة البحار*، تحقیق و تصحیح: شیخ حسن بن علی نمازی شاهرودی، ج ۱، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ایران.
۶۴. وحید بهبهانی، بی تا: *التعلیقه علی منهج المقال*، چاپ سنگی.

- ۶۵ یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۳۵۷ هـ.ش، رجال فحاشی، ج ۱، انتشارات داوری، قم.
- ۶۶ استرآبادی، میرزا محمدبن علی، بی تا: منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، چاپ سنگی.
- ۶۷ علامه حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۷ هـ.ق: خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق شیخ جواد قیومی، نشر الفقاهه، ج اول، قم.
- ۶۸ طبسی، محمدمحسن، ۱۴۳۱ هـ.ق: حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت، انتشارات دلیل ما، ج اول، قم.
- ۶۹ طبسی، محمدمحسن، ۱۳۸۸، مجله طلوع، مقاله جایگاه روایی اباصت هروری از دیدگاه فریقین، شماره ۳۰.

